



زمینه‌های تاریخی
و نتایج مداخلات
روسیه در قفقاز
در دوره فتحعلی شاه

دکتر مسعود مرادی
عضو هیئت علمی دانشگاه

سمیه خانی‌پور، هاشم ملک‌شاهی
دانشجویان کارشناسی ارشد

چکیده

منطقه قفقاز به عنوان یکی از نقاط استراتژیک جهان همواره مورد توجه و تجاوز قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است. بطوری که با به قدرت رسیدن پتر کبیر و اقدامات او در جهت غربی کردن روسیه، روس‌ها سعی در برقراری ارتباط با مآورای قفقاز (قفقاز جنوبی) نمودند. پتر کبیر قبل از مرگ خود، وصیت نامه‌ای بر جای گذاشت که اساس آن، سیاست توسعه طلبانه و امپریالیستی روس‌ها را در قفقاز و ایران به دنبال داشت. در این میان، ضعف داخلی ایران در اواخر دوره صفویه راه را برای تهاجمات روس‌ها هموار کرد. چنانچه سپاهیان پتر، پادگان ایرانی داغستان را درهم کوبیده و دربند را تصرف کردند و متعاقب آن قسمت‌های مهمی از ایالات شمال ایران به دست روس‌ها افتاد. با ظهور نادر و پیشرفت‌های درخشان نظامی او، روس‌ها در رفتار خود تجدید نظر کرده و مناطق شمالی ایران را تخلیه کردند. در اواخر حکومت زندیه و در دوران فرمانروایی کاترین دوم، روس‌ها تصمیم گرفتند از وضعیت آشفته‌ی ایران استفاده کنند و وصیت نامه‌ی پتر کبیر را به اجرا درآورند. لذا در سال ۱۷۷۶ م. شروع به ساختن یک رشته استحکامات و قلاع نظامی در شمال قفقاز نمودند

که با اولتیماتوم آقا محمد خان مواجه شده و ناگزیر آنجا را ترک کردند. دولت روسیه برای دست یافتن به دریای آزاد از راه قفقاز به کوشش می‌کرد؛ آنان متوجه گرجستان شدند چرا که آرایکلی (هراکلیوس) والی آن ایالت، تمایلات تجزیه‌طلبی از ایران را در سر می‌پروراند؛ لذا روس‌ها با وی ارتباط نزدیک برقرار کرده و آن را تحت الحمايه خود خواندند. آقا محمد خان در جواب آرایکلی خان، در ژوئن ۱۷۹۵ م. تفلیس پایتخت گرجستان را فتح کرد و فرمان قتل عام مردم آن شهر را اعلام کرد تا درس عبرتی برای تجزیه طلبان شود. آقا محمد خان با این اقدام خود ارمنستان را نیز به اطاعت از ایران رهنمود کرد. بدین ترتیب، سراسر قفقاز در دوره ی آقا محمد خان قاجار به دست ایرانیان افتاد. اما شدت عمل آقا محمد خان در تفلیس در نهایت به ضرر ایران تمام شد؛ بدین گونه که ملل مسیحی قفقاز نسب به ایرانیان کینه ی شدیدی پیدا کرده و به روس‌ها نزدیک‌تر شدند.

دولت روسیه در سپتامبر ۱۷۹۶ م. به ایالات قفقاز تجاوز کرد. دست اندازی روس‌ها به خاک قفقاز که ساکنین آن از نژادهای مختلفی تشکیل یافته و سکنه ی آن طالب خود مختاری بودند و بدان جهت که قفقاز به مرکزی و جنوبی همیشه جزئی از کشور ایران محسوب می شدند و به تمامیت و استقلال ایران بستگی داشت، موجب بروز جنگ میان ایران و روسیه بود؛ چنانکه در سال ۱۸۰۳ م. / ۱۲۱۸ ه. ق. الکساندر اول سپاهی به فرماندهی سیسیانوف روانه ی قفقاز به نمود. حمله ی روس‌ها به گرجستان و داغستان و تسلط بر نواحی شمال ایران، سلسله جنگ‌های طولانی را به ایران تحمیل کرد که در نهایت به شکست همه جانبه ی ایران و انعقاد معاهده‌های گلستان و ترکمنچای منجر شد که متعاقب آن پیامدهای منفی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فراوانی برای ایران در پی داشت.

کلید واژه‌ها: قفقاز، ایران، روسیه، توسعه طلبی، قاجار، فتحعلیشاه، عهدنامه ی گلستان، عهدنامه ی ترکمنچای.

مقدمه

در بین کانون‌های مختلف رقابت، قفقاز همواره از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده است. بطوری که این منطقه سوق الجیشی همیشه مورد طمع کشورهای بزرگ قرار داشت. در این میان تاریخ قفقاز همواره با تاریخ ایران در ارتباط بوده است زیرا بخشی از قفقاز یعنی قفقاز مرکزی و جنوبی همیشه جزئی از کشور ایران محسوب می شدند. چنانچه پیش از سال ۱۳۳۴ هجری قمری

که همزمان با شکست صفویان به دست افغان هاست، حدود متصرفات ایران از سمت شمال غربی تا ماورای قفقاز می‌رسید. با اوضاع آشفتگی ایران در این زمان، شمال و مغرب ایران دستخوش مطامع دولت‌های روس و عثمانی قرار گرفت. به ویژه دولت روسیه تزاری که در تکمیل نقشه‌های توسعه طلبانه‌ی خود و رسیدن به آب‌های گرم و دریای آزاد، چشم به منطقه قفقاز دوخته بود. طبیعی بود که بین ایران و روسیه درگیری‌هایی به وجود آید. که دو دوره جنگ‌های ایران و روسیه از پیامدهای این برخوردها بود. البته در این بین ایران و قفقاز قربانی مطامع کشورهای اروپایی نظیر انگلیس و روسیه شد، زیرا در اواخر قرن هجدهم که رقابت‌های اقتصادی در قاره اروپا به وجود آمده بود، دولت‌های فرانسه و روسیه را بر آن داشت که مستعمرات انگلیس را در هندوستان مورد تهدید قرار دهند. تحت این شرایط ایران که به عنوان معبر اصلی از راه خشکی به هند بود مورد توجه و عرصه‌ی رقابت کشورهای اروپایی گردید. چنانچه انگلیسی‌ها برای ممانعت از توسعه طلبی روس‌ها با وساطت دو کشور درگیر در جنگ (ایران و روسیه) دو عهدنامه‌ی گلستان و ترکمنچای را با شرایط سنگین و در اثر بی‌خبری رجال حکومتی بر ایران تحمیل کردند. که پیامدهای زیانبار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فراوانی را برای ایران به دنبال داشت.

قفقاز در مسیر تاریخ

قفقاز منطقه‌ای بین دریای سیاه و دریای خزر، در جنوب روسیه، شمال غربی ایران و شمال شرقی ترکیه قرار دارد که از نقاط بسیار حساس و بحرانی جهان به شمار می‌رود. همچنین چشم اندازهای فرهنگی قفقاز، متنوع‌تر از چشم اندازهای جغرافیایی آن است. تاریخ نشان داده است که منطقه قفقاز همیشه دارای اهمیت بوده است. این منطقه در مسیر حوادث بین سه منطقه روسیه، امپراتوری عثمانی و جنوب غربی آسیا و خاورمیانه بوده و به عبارت ساده‌تر، یک منطقه برخورد به معنی واقعی کلمه است که به دنبال آن مناطق حساسی چون خلیج فارس، قفقاز را از اهمیت سیاسی و استراتژیکی دو چندان بر خوردار کرده است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۳-۳۰).

در این میان، تاریخ قفقاز همواره با تاریخ ایران در ارتباط بوده است. چنانکه حاکمیت ایران بر ناحیه قفقاز از دوران پیش از میلاد و از زمان اشکانیان در منابع تاریخی ذکر شده است و حتی مورخان ایرانی و عرب مبنای بسیاری از شهرهای این منطقه را به پادشاهان ساسانی نسبت داده‌اند. پس از اسلام نیز این ناحیه همچنان تحت حاکمیت ایرانیان باقی ماند و پذیرش اسلام توسط ساکنان شرقی

و شمالی قفقاز پیوند و ارتباط فرهنگی قفقاز را با ایران بیشتر کرد (سلماسی زاده، ۸۸: ۱۳۸۶).

این منطقه سوق الجیشی همیشه مورد طمع کشورهای بزرگ قرار داشت. چنانکه با قدرت یافتن امپراتوری عثمانی، این دولت فکر دست یابی بر این منطقه را همیشه در سر می‌پروراند، و جنگ‌های بیست ساله ما بین ایران و عثمانی بیانگر این مسئله است، اما باید اضافه نمود که نهایتاً در سال ۱۹۵۵ م. / ۱۳۳۴ ه. ق. با منعقد شدن صلح آماسیه در دوران صفویه، آذربایجان غربی و قسمتی از کردستان و بین النهرین و بخش شمالی گرجستان به دولت عثمانی و در مقابل ارمنستان، اردهان، کارتیل، کانت و آذربایجان شرقی به ایران واگذار شد. شاه عباس توانست مناطق اشغال شده را به ایران بازگرداند. البته عثمانی تنها کشوری نبود که به این مناطق نظر داشت.



دولت روسیه نیز چنین فکری را در سر می‌پروراند

ولی تا قبل از سلطنت شاه عباس دوم، هیچ‌گونه

اقدامی از جانب این دولت به وقوع نپیوست. در زمان

شاه عباس دوم، تزار روسی به منظور حمایت از امیر

سابق گرجستان که طهمورث خان نامی بود به داغستان

حمله کرد و توانست قسمتی از این ایالت را تصرف نماید

که با اقدام شاه ایران، تزار روس نتوانست به اقدامات

خویش ادامه دهد. در زمان شاه سلیمان نیز مجدداً

حملاتی از سوی قزاق‌های روسی به مناطق شمالی و

شمال غربی ایران انجام گرفت. اما اوج این حملات در

زمان پترکبیر آغاز گردید (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، مقدمه کتاب: ۶-۷).

تاریخ قفقاز همواره با

تاریخ ایران در ارتباط بوده است.

چنانکه حاکمیت ایران بر ناحیه

قفقاز از دوران پیش از میلاد

و از زمان اشکانیان در

منابع تاریخی ذکر شده است

و حتی مورخان ایرانی و عرب

مبنای بسیاری از شهرهای

این منطقه را به پادشاهان

ساسانی نسبت داده‌اند

قفقاز و اهمیت یافتن آن برای روسیه

بطور کلی با به قدرت رسیدن پترکبیر و اقدامات او در جهت غربی کردن روسیه، علاقه روس‌ها

به آسیای میانه هر چند به گونه‌ای نه چندان عمیق افزایش یافت. کنجکاوی طبیعی، علاقه به

ایجاد روابط تجاری با کشورها و آگاهی از بهره‌کشی‌های کشورهای اروپای غربی، تزار جدید را

تحت تأثیر قرار داد، بنابراین او خواهان سیاست فعال تری در قبال آسیای میانه شد (ابوالحسن

شیرازی، ۳۱: ۱۳۷۰-۳۰). در واقع روسیه از ابتدای قرن هجدهم میلادی که با اصلاحات فراگیر

پترکبیر از کشوری عقب افتاده و روستایی به عصر جدید صنعتی وارد شده بود به قفقاز به عنوان محل تأمین منابع انرژی و مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های نوپایش نگاه می‌کرد. نفت و پنبه، پشم و غلات، نیروی کار ارزان و بازار گسترده و وسیع قفقاز برای رونق بخشیدن به تجارت روسیه لازم و ضروری شمرده می‌شد و از همین روی اشغال و تصرف آن اهمیت سیاسی برای این کشور می‌یافت (سلماسی زاده، ۸۸: ۱۳۸۶). به همین دلیل پترکبیر قبل از مرگ، وصیت نامه ای از خود باقی گذاشت که اساس سیاست توسعه طلبانه روسیه را تشکیل می‌داد. او نزدیک شدن به استانبول و هند را برای روسیه لازم و واجب می‌دانست و جنگ‌های پی در پی را با ایران و عثمانی تجویز می‌کرد و رسیدن به آب‌های خلیج فارس را یکی از اهداف روسیه می‌شمرد (ابوالحسن شیرازی، ۳۱: ۱۳۷۰). بطوری که جانشینان پتر توانستند در سده‌های



آتی بر اساس این سیاست ماورای قفقاز و شمالی و آسیای مرکزی را با قدرت یافتن حکومت تزاری که همزمان با ضعف حکومت‌های ایران و عثمانی بود، به رغم جنگ‌های مستمر با این دو حکومت تماماً به تصرف روسیه درآوردند (شیخ عطار، ۱۳: ۱۳۷۱).

در واقع روسیه از ابتدای قرن هجدهم میلادی که با اصلاحات فراگیر پترکبیر از کشوری عقب افتاده و روستایی به عصر جدید صنعتی وارد شده بود به قفقاز به عنوان محل تأمین منابع انرژی و مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های نوپایش نگاه می‌کرد

سیاست توسعه طلبانه روسیه در دوره حکومت‌های صفویه، افشاریه، زندیه و ابتدای قاجاریه

در این زمان (اواخر دوره صفویه)، ضعف داخلی ایران راه را برای تهاجمات روس‌ها هموار کرد. بطوری که ولینسکی سفیر روس که از جانب پتر به دربار صفوی فرستاده شده بود، طی گزارش‌های خود راجع به ایران می‌نویسد: «فکر می‌کنم این سلطنت در آستانه فروپاشی است» و معتقد بود که یک سپاه کوچک برای تصرف بخش اعظم و ضمیمه نمودن آن به روسیه کافی است (آوری و دیگران، ۲۹۶: ۱۳۸۴). در این میان، یورش افغان‌ها و سقوط اصفهان، موقعیت مناسب را جهت اجرای نقشه‌های پتر در اختیار آنان گذاشت و به شهرهای شمال ایران (در سال ۱۳۳۴ ه.ق) یورش آوردند. سربازان روسی از طریق ولگا به سمت داغستان و دربند پیشروی نموده و شهرهای شمال غربی ایران را مورد تهدید قرار دادند. زمانی که دربند و باکو توسط روس‌ها اشغال می‌شد، افغان‌ها

نیز بر اصفهان مسلط شده بودند و عثمانی‌ها هم با استفاده از فرصت، در صدد برآمدن تا ایروان و تبریز را تصرف نمایند، ولی بر سر تصرف گنجه میان روسیه و عثمانی اختلافاتی بروز نمود. سرانجام دو طرف در سال ۱۱۳۶ ه. ق قراردادی در مورد تقسیم ایالات ایران به امضاء رسانیدند. بر طبق این قرارداد، عثمانی ایالت اشغال شده توسط روسیه را به انضمام مازندران و استرآباد به رسمیت شناخت و از سوی دیگر روسیه تعلق تبریز، همدان و کرمانشاه و کلیه ی نقاط واقع در غرب این خط مرزی را در مورد عثمانی پذیرفت. بعد از امضای این قرارداد، این مناطق به تصرف روس عثمانی درآمد و این وضعیت همچنان تا ظهور نادر ادامه داشت (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، مقدمه کتاب: ۸-۷).

ظهور نادر و قدرت یافتن وی مقارن با مرگ پترکبیر شد. قبل از آنکه نادر به دفع افغانه مباردت ورزد از روسیه واگذاری (تخلیه) ایالات شمالی ایران که این دولت در گذشته، تصرف کرده بود، را خواستار شد (پیرنیا و دیگران، ۱۳۸۴: ۶۱۵). زمامداران روسیه نیز، پس از مرگ پترکبیر از آنجا که پیشرفت‌های درخشان نظامی نادر را مشاهده کرده بودند به حمایت از او پرداختند. روس‌ها به خوبی درک کرده بودند که با وجود سردار جنگجویی مانند نادر اجرای قرارداد ۱۷۲۴ م / ۱۱۳۶ ه. ق غیر ممکن بوده و مصلحت در آن است که با مسالمت اقدام به تخلیه ایران نمایند و دوستی خود را با نادر حفظ کنند (ابوالحسن شیرازی، ۳۳: ۱۳۷۰). به این ترتیب روسیه با قبول اولتیماتوم نادر در سال ۱۱۴۴ ه. ق مجبور به انعقاد قرارداد رشت با ایران گردید. به موجب این قرارداد که فی مابین شافیروف و میرزا محمد ابراهیم مستوفی به امضاء رسید، دولت روسیه از مازندران و گیلان و استرآباد صرف نظر و مناطق مذکور را تخلیه نمود (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، مقدمه کتاب، ۸). ولی تخلیه دربند و باکو را موکول به وقتی کردند که ایران، ایروان و قفقاز به ازای عثمانی پس بگیرد و راه استیلای ایشان را به سواحل دریای خزر ببندد. این دو ولایت هم در سال ۱۱۴۷ ه. ق پس از آنکه نادر شماخی و داغستان را فتح نمود در نتیجه معاهده‌ی دیگری به ایران پس داده شد (پیرنیا و دیگران، ۶۱۵: ۱۳۸۴). سپس نادر که از جانب روسیه خیالش آسوده شده بود، به جانب سرزمین‌های اشغالی توسط عثمانی رو آورد و بعد از چندین جنگ با سپاهیان ترک، توانست قبل از رسیدن به مقام شاهی، سراسر ایالت قفقاز را که مدت سیزده سال از خاک ایران جدا شده بودند تحت تسلط دولت ایران درآورد و ابراهیم خان ظهیر الدوله را به فرماندهی قفقاز برگزیند. در دوران زمامداری نادر انتصاب سرداران و زمامداران و همچنین تعیین مقام مذهبی در این نواحی به عهده

ایران قرار داشت (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، سندهای شماره ۱۴، ۱۶ و ۱۳۱: ۱۷-۱۱۸).

ولی از آنجا که جانشینان نادر قدرت و توانایی کافی را دارا نبودند، احکام و قوانین صادره در حکومت نواحی مختلف قفقاز و تفویض مقام حکومتی جنبه‌های عملی و واقعی خود را از دست داد و به اشکال صوری آن قناعت گردید. به این ترتیب از این زمان تا روی کار آمدن آقامحمدخان قاجار، حکومت این نواحی توسط امرای محل اداره می‌شد که با نفوذ دولت روسیه متمایل به سیاست آن کشور شدند (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، مقدمه کتاب: ۹) بطور کلی دولت روسیه و تزارهای بعد از پترکبیر پیوسته اهداف او را در جهت راهیابی به دریای آزاد تعقیب می‌نمودند و چهار راه را در نظر گرفته بودند: دریای بالتیک، دریای مدیترانه، اقیانوس آرام، خلیج فارس. در این زمان روسیه بنا بر ویژگی توسعه طلبی خود و جهت وصول به اهدافش با خدعه‌های گوناگون در مقاطع و شرایط مختلف زمانی به بلعیدن کشورهای آسیای مرکزی مبادرت ورزیدند (حسین پور و دیگران، ۵: ۱۳۷۳) بنابراین دولت روسیه در اواخر حکومت زندیه و در دوران فرمانروایی کاترین دوم - نیم قرن پس از پترکبیر - تصمیم گرفت از وضعیت آشفته‌ی ایران به نفع خود استفاده کند و وصیت نامه پترکبیر را به اجرا درآورد. لذا در سال ۱۷۷۶ م روس‌ها شروع به ساختن یک رشته استحکامات و قلاغ نظامی در کنار سرحدات در شمال قفقاز نمودند (ابوالحسن شیرازی، ۳۵: ۱۳۷۰) که پایه مستحکمی برای تسریع عملیات نظامی در عهد جانشینان کاترین گشت. در سال ۱۷۸۱ م (۱۹۹۵ ه.ق. مقارن با قدرت‌گیری قاجاریه) نیروی دریایی روس‌ها مرکب از هفت فروند کشتی باری در اشرف (بهشهر) لنگر انداخته اجازه‌ی تأسیس یک تجارتخانه را تحصیل کردند. سپس به بهانه حمایت از تجارتخانه به ساختن قلعه و تشکیلات نظامی پرداختند. آقامحمدخان با اطلاع از این امر برادرزاده‌اش، باباخان (فتحعلی خان آتی) را برای سرکشی و آگاهی از حقیقت ماجرا به آنجا فرستاد و وی نیز طی یک میهمانی بزرگان ایشان را دستگیر کرده نزد آقامحمدخان فرستاد. شاه قاجار با ایشان نیکویی کرد، حتی یکی از ملازمان خود را به عنوان سفیر به همراه «کرفس خان» سر دسته‌ی روس‌ها برای «تمهید و داد و تشدید اتحاد با پادشاه روس» به روسیه فرستاد و در عین حال روس‌ها را از مداخله در امور ایران منع کرد. لیکن پس از مدتی، آقامحمدخان با اینکه قبلاً خود با استقرار ایشان و تأسیس یک نقطه تجاری در امتداد ساحل استرآباد موافقت کرده بود به روسیه مظنون شده خواستار تعطیلی فعالیت‌های ایشان گشت (سلماسی زاده، ۹۶: ۱۳۸۶-۹۵) سرانجام با اولتیماتوم آقامحمدخان ناگزیر آنجا را ترک کردند (ابوالحسن شیرازی، ۳۵: ۱۳۷۰).

اوضاع قفقاز مقارن با شکل‌گیری حکومت قاجاریه

منطقه قفقاز مقارن با شکل‌گیری حکومت قاجاریه دستخوش احساسات استقلال طلبی گردیده بود و هر حاکمی سعی داشت حوزه‌ی فرمانروایی خود را مستقل کند. از این میان آراکلی حاکم گرجستان در صدد برآمد قلمرو خود را مستقل و از تسلط ایران خارج سازد (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، مقدمه کتاب: ۱۰). زیرا در آن زمان ایران در آتش جنگ‌های داخلی و انقلابات پی‌در پی می‌سوخت و کشمکش میان خوانین زند مجالی برای توجه دولت ایران به قفقاز باقی نگذاشت و اصولاً دولت متمرکز و واحدی در ایران وجود نداشت که از مرزها و تمامیت و استقلال ایران دفاع کند. این تحولات با هدف روسیه مبنی بر دست یافتن به دریای آزاد از راه قفقاز مطابقت می‌کرد (شمیم، ۸۴: ۱۳۷۹-۸۳). بنابراین روس‌ها متوجه گرجستان شدند و چون آراکلی خان والی آن ایالت، بنا به شرحی که گذشت تمایلات تجزیه طلبی و جدا شدن از ایران را داشت با وی ارتباط برقرار نمودند. در ۲۴ ژوئیه ۱۷۸۳ یک معاهده سری موسوم به گیورگیفسک بین آراکلی خان و دولت روسیه منعقد شد که به موجب آن گرجستان تحت الحمایه روسیه قرار گرفت و از داشتن رابطه مستقیم با ایران و عثمانی صرف نظر کرد. متقابلاً دولت روسیه از والی گرجستان که از این پس «تزار گرجستان» نامیده می‌شد، حمایت نمود و متصرفات حال و آینده‌ی او را تضمین نمود. بلافاصله پس از امضای این عهدنامه یک لشکر روسی وارد خاک گرجستان شد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۷۰۳: ۶). آقا محمدخان [در آوریل ۱۷۹۵ م.] نامه‌ای به آراکلی خان نوشت و او را به تبعیت از دولت مرکزی ایران دعوت کرد. لیکن او به نامه آقا محمدخان جوابی نداد و خود را برای مقابله با سپاه قاجار آماده نمود (شمیم، ۱۳۷۹: ۳۹-۳۸).

لشکرکشی به قفقازیه در ۱۲۰۹ هجری

عدم قبول تابعیت ایران از سوی آراکلی خان منجر به لشکرکشی آقا محمدخان به قفقازیه در سال ۱۲۰۹ ه. ق شد. چنانچه آقا محمدخان در این سال با لشکر فراوان جهت تسخیر ولایت‌های تفلیس و ایروان و قراباغ و تالش به طرف آذربایجان حرکت کرد و علیقلی خان شاهسون را که از سرکردگان خود بود با پاره‌ای از خوانین بر سر قلعه ایروان فرستاد و خود آقا محمدشاه با تمامی لشکر عراق و فارس و خراسان و آذربایجان بر سر قلعه شوش آمد و در یک فرسخی قلعه اردو زد. در این میان والی تفلیس آراکلی خان و حاکم ایروان محمدخان و حاکم تالش میرمصطفی خان با ابراهیم

خان جوانشیر از امرای قره باغ هم قسم بودند که هیچ وقت اطاعت آقا محمدشاه را قبول نکرده در اطاعت یکدیگر و اتحاد باشند (موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۶۶: ۱۳۸۴).

این امر باعث شد که آقا محمدخان، مصطفی خان دولو را به عسکران از روستاهای شوشی بفرستد تا راه ورود آذوقه را به شهرسد کند و سپاه دیگری به سرداری پیرقلی خان شامبیاتی بر سر برداران جوانشیر فرستاد و چون سپاه جوانشیر از سربازان قاجار شکست خوردند، وی نامه ای به خان نوشت و از در اطاعت درآمد و آغامحمدخان موقع را مغتنم شمرد و با تجهیزات کافی روانه ی گرجستان شد (شمیم، ۳۹۰-۳۸).

سرانجام در ژوئن ۱۷۹۵ تفلیس بدون مقاومت در برابر سپاه آقامحمدخان تسلیم شد و به فرمان

او قتل عام فجیعی در پایتخت گرجستان صورت گرفت



و کلیساهای شهر با خاک یکسان شد تا درس عبرتی

برای تجزیه طلبان شود. چنانچه بیگلربیگی ارمنستان

از ترس آقامحمدخان از در دوستی درآمد و تسلیم شد و

به این ترتیب سراسر قفقاز به دست ایرانیان افتاد. اما

شدت عمل آقامحمدخان در تفلیس باعث شد که قفقاز

نسبت به ایرانیان کینه ی شدیدی پیدا کنند و به روس ها

نزدیک تر شوند (ابوالحسن شیرازی، ۳۶: ۱۳۷۰).

بطوری که گرجی ها بطور طبیعی به روس های هم

مذهب پیوستند و دیگر خان نشین ها به دیگر

قدرت های دارای نفوذ در منطقه روی آوردند. از جمله ایروان که در نزدیکی مرزهای عثمانی قرار

داشت به آن متمایل گشت (سلماسی زاده، ۹۸: ۱۳۸۶). آقامحمدخان پس از فتح گرجستان به

دلیل اغتشاشات داخلی ایران مجبور به بازگشت به ایران شد. این امر سبب گردید که دولت روسیه

در سپتامبر ۱۷۹۶ م. به ایالات قفقاز تجاوز کند. چنانچه روس ها از دربند گذر کردند و این بار، باکو،

شماخی، گنجه، لنکران و قسمتی از تالش را به دست آوردند، آذربایجان و بندر انزلی و حتی شهر

رشت را مورد تهدید قرار دادند. با این همه این هجوم که خود به خوبی نشان دهنده آشفستگی اوضاع

داخلی ایران و ضعف نیروهای دولتی و محلی بود، با مرگ کاترین دوم امپراتوری روسیه، پایان

یافت و به دستور پل اول، تزار روس جانشین کاترین، سپاهیان آن کشور به روسیه بازگشتند. در این

عدم قبول تابعیت ایران از سوی

آراکلی خان منجر به لشکرکشی

آقا محمدخان به قفقاز به در سال

۱۲۰۹ ه. ق شد. چنانچه

آقامحمدخان در این سال

با لشکر فراوان جهت تسخیر

ولایت های تفلیس و ایروان

و قراباغ و تالش به طرف

آذربایجان حرکت کرد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

میان آقامحمدخان نیز، که پس از تاج گذاری در تهران [۱۲۱۰ ه.ق] حمله مجدد خود را به قفقاز شروع کرد و تا شهر شوشی پیش رفته بود. در توطئه ای [به دست خدمتکارانش در کنار قلعه شوشی] به قتل رسید و عملیات نظامی از دو طرف تا مدتی متوقف ماند (ورجاوند، ۱۹: ۱۳۷۸؛ سلماسی زاده، ۹۸: ۱۳۸۶).

اوضاع ایران و قفقاز پس از مرگ آقامحمدخان

پس از مرگ آقامحمدخان ایران دچار هرج و مرج گردید و مدعیان سلطنت به جان یکدیگر افتادند. از این میان باباخان پسر حسینقلی خان قاجار توانست با همکاری حاج ابراهیم کلانتر وزیر در تاریخ ۲۰ صفر ۱۲۱۲ وارد تهران شده و به نام فتحعلی شاه تاج گذاری نماید. سال های اول حکومت فتحعلی شاه در تحکیم و بسط قدرت او در داخل ایران گذشت. اما در سیاست خارجی و عملیات بر ضد دولت روسیه تزاری که همیشه در پی اضمحلال ایران بود موفقیتی حاصل ننمود. چنانکه قبلاً گفته شد، تحت الحمایگی گرجستان به علت مرگ کاترین دوم و آقامحمدخان قاجار بدون انعقاد معاهده ی صلحی میان طرفین بی نتیجه ماند و سیاست صلح جویانه پل اول هم به غیر از یک دوره فترت در عملیات تجاوزکارانه روسیه تزاری اختلالات داخلی نمود (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲: مقدمه کتاب: ۱۳) لیکن اوضاع قفقاز به گونه ای دیگر بود. آرایکلی (آراکلی) تا سال ۱۲۱۵ ه.ق که سال مرگ اوست تحت حمایت روسیه و گرجستان سلطنت کرد سپس به دستور الکساندر تزار روس فرزند او گرگین خان به حکومت گرجستان منصوب گردید و فرزند دیگر آرایکلی به نام الکساندر به دربار ایران پناهنده شد. تزار روس هم که توسعه سرحدات روسیه را در جنوب لازم می شمرد و با امید آنکه ملل مسیحی ساکن گرجستان و ارمنستان با نیات او در تسخیر قفقاز موافقت خواهند کرد، در اوایل سال ۱۲۱۸ هجری / ۱۸۳۰ م. سپاهی به سرداری سیسیانف مأمور تصرف قفقاز به نمود. شهر گنجه را که تقریباً تمامی مردم آن مسلمان بودند مورد تعرض قرار داد و به تفلیس حمله برد و آن را تصرف کرد. گرگین خان پس از چند ماه وفات یافت و یکی از فرزندان او تهمورث به دربار ایران پناهنده شد و فتحعلی شاه را به جنگ با روسیه تشویق کرد (شمیم، ۸۶: ۱۳۷۹، ۸۴). از سوی دیگر فتحعلی شاه که تعلق خاطر شدیدی به گرجستان داشت، پناهنده شدن شاهزادگان گرجی را بهانه قرار داد و فرمان حمله به گرجستان را صادر کرد. بنابراین بهانه جنگ های دوره اول ایران و روس را می توان انقلابات داخلی گرجستان و علت اساسی جنگ را تمایل هر دو دولت به تصرف آن ناحیه

دانست و به هر صورت دست اندازی به خاک قفقاز که ساکنین آن از نژادهای مختلف تشکیل یافته و سکنه آن طالب خودمختاری بودند، بدان جهت که قفقاز به مرکزی و جنوبی همیشه جزئی از کشور ایران محسوب می‌شد و به تمامیت و استقلال ایران بستگی داشت، دفاع ایران از قفقاز- بویژه قفقازیه شرقی که مسلمان بودند و هواخواه دولت ایران بودند- در برابر تجاوز قوای روسیه یک امر طبیعی و مبنی بر حق حاکمیت ایران بر قفقازیه بود (شمیم، ۸۶: ۱۳۷۹، ۸۳).

دوره اول جنگ‌های ایران و روسیه (۱۲۲۸-۱۲۱۸ ه.ق/ ۱۸۱۳-۱۸۰۳ میلادی)

تسلط روس‌ها بر گنجه

سیسیانف پس از استقرار در تفلیس، در رمضان ۱۲۱۸ ه.ق قلعه گنجه را محاصره کرد. جوادخان زیاد اوغلی قاجار حاکم گنجه که اجدادش از دوران صفویه حاکم این منطقه بودند در برابر تهاجم روس‌ها ایستادگی کرد. مقاومت اهالی گنجه حدود یک ماه ادامه یافت لیکن به دلیل خیانت یکی از سرداران جوادخان به نام نصیب بیک شمس الدین لو، و همکاری ارامنه با روس‌ها سرانجام شهر سقوط کرد. در حین جنگ جوادخان به قتل رسید و پسرانش نیز کشته یا فرار کردند. روس‌ها شهر را قتل و غارت کردند و مردم شهر یکباره مقیم روس‌ها گشتند. گنجه به الیزابت پل (نام همسر الکساندر اول) تغییر نام یافت و جزو اراضی گرجستان شد (سلماسی زاده، ۱۰۲: ۱۳۸۶-۱۰۰).

سیسیانف پس از فتح گنجه برای حاکمان ایروان و قره باغ پیغام فرستاد و آنان را به اطاعت دربار روسیه دعوت کرد. جعفرقلی خان دنبلی و کلعلی خان نخجوانی و محمدخان قاجار ایروانی دعوت او را پذیرفتند و سردار مذکور به پیروزی خود کاملاً امیدوار شد (شمیم، ۸۶: ۱۳۸۶). از سوی دیگر، حوادث گنجه همزمان بود با سفر عباس میرزا به خراسان برای سرکوب طغیان نادر میرزا افشار. عباس میرزا به فاصله اندکی پس از بازگشت از مشهد، به فرمان فتحعلی شاه عازم آذربایجان شد تا به اوضاع آشفته قفقاز سر و سامانی دهد. چنانچه در سند شماره ۲۷ مندرج در کتاب اسنادی از روابط ایران با قفقاز فرمان فتحعلی شاه در ۲۷ ماه ذیحجه الحرام سال ۱۲۱۸ در باب اعزام عباس میرزا برای تسخیر ولایت گرجستان و تفلیس بیان شده است: «جهت تثبیت و انتظام آذربایجان و قلع و قمع سرکشان آن سامان و تسخیر ولایت گرجستان و تفلیس و اخراج و اتباع ضاله‌ی ابلیس... عباس میرزا نایب السلطنه ممالک ایران را با جمعی از امرای جلیل‌الشأن و سپاهی بی حد و لشکری بی عده باآلات حرب و ادوات ملعن و خرب از کاب مصور... عازم آن حدود و ثغور گردید» (اداره انتشار اسناد، ۱۵: ۱۳۷۲).

جنگ‌های سال (۱۲۱۹ ه.ق / ۱۸۰۲ م. شوره‌گول - ایروان)

محمدخان ایروانی بیگلربیگی ایروان، چون خبر حرکت عباس میرزا و سپاهیان‌ش را به سوی آذربایجان شنید، موضع دفاعی گرفت و با وجود پیام دوستانه عباس میرزا از او جهت اطاعت، پیکی نزد سیسیانف فرستاد و از او درخواست کمک کرد. سپاه عباس میرزا در نیم فرسنگی قلعه ایروان سنگربندی کرد. زد و خورد با قلعه نشینان از روز نخست آغاز شد و طرفین با گلوله توپ‌های کوچکی که در اختیار داشتند به یکدیگر آتش کردند. همچنین در این سال در اراضی واقع بین ایروان و اوچمیازین در محل شوره گل جنگ سختی بین طرفین در گرفت و سپاه روس در سه صف شروع به تعرض نمود. سواره نظام ایران به سرداری مهدی قلی خان دولو رشادت و فداکاری بی

نظیری بروز داد و زیر آتش توپخانه مجهز روسیه



پافشاری کرد تا وقتی که قوای امدادی عباس میرزا

مقاومت اهالی گنجه حدود یک

رسید و قسمتی از قوای روس را از سنگر خارج و به عقب

ماه ادامه یافت لیکن به دلیل خیانت

نشینی مجبور ساختند. این درگیری سه روز ادامه

یکی از سرداران جوادخان به نام نصیب

داشت. پس از سه روز به تدریج برژنرال روس روشن شد

بیگ شمس الدین لو، و همکاری ارامنه

که با قوایی که در اختیار دارد نخواهد توانست ایروان را

با روس‌ها سرانجام شهر سقوط کرد.

به چنگ آورد (براهوئی، ۵۴: ۱۳۸۷-۵۳).

در حین جنگ جوادخان به قتل

رسید و پسرانش نیز کشته یا فرار

در واقع از جنگ‌های سال ۱۲۱۹ نتیجه قطعی

کردند. روس‌ها شهر را قتل و غارت

حاصل نشد بلکه این جنگ‌های مقدماتی یک نوع

کردند و مردم شهر یکباره مقیم

آزمایشی بود که طرفین از قوای یکدیگر به عمل آوردند.

روس‌ها گشتند

روس‌ها گشتند

همچنین قوای ایران و روسیه در مواضعی که داشتند، متوقف شدند و آتش جنگ مدت ۴ ماه از

زمستان خاموش شد (شمیم، ۸۸: ۱۳۷۹). اما چند امتیازی که در این جنگ‌ها به دست آمده بود

می‌توانست به گونه ای جلوه کند که پیروزی جلوه کند. از همه چیز گذشته، ایروان آزاد شده بود

(پاکروان، ۹۶: ۱۳۷۶).

جنگ‌های فرسایشی (۱۲۲۷-۱۲۲۰ ه.ق / ۱۸۱۲-۱۸۰۵ م)

جنگ‌های عسکران، گنجه، بادکوبه، ایروان

در سال ۱۲۲۰ ه.ق بر اثر تعرض ابراهیم خلیل خان جوانشیر، دست‌نشانده روسیه به منطقه نفوذ

ایران مجدداً آتش جنگ شعله ور شد (شمیم، ۸۸: ۱۳۷۹). فتحعلی شاه به قول دنبلی، بنا بر اصرار عباس میرزا، پس از امتناع اولیه «ملتمس آن جناب را مبذول داشته ایشان را به سفر آذربایجان مأمور» (دنبلی، ۱۰۴: ۱۳۸۳). بدین ترتیب با آغاز سال ۱۲۲۰ هـ. ق [۱۸۰۵ م] عباس میرزا با ۲۰ هزار سپاهی از تهران عازم آذربایجان شد تا سرکشان آن سامان را سرکوب نماید (سلماسی زاده، ۱۱۰: ۱۳۸۶). در این زمان فتحعلی شاه در اوایل ربیع الاول از چمن سلطانیه به کنار ارس رفت و عباس میرزا نیز قوای خود را برای حمله و تعرض آماده نمود و تصمیم به فتح گنجه گرفت (شمیم، ۸۸: ۱۳۷۹).

ابتدا سپاه قاجار متوجه قره باغ و خان سرکش آن یعنی ابراهیم خلیل خان جوانشیر شد. پس از جنگی سخت که بین او و اسماعیل خان دامغانی از سرداران عباس میرزا در کنار پل خداآفرین صورت گرفت، روس‌ها شکست خورده به همراه ابراهیم خلیل خان به قلعه شوشی عقب نشینی کردند. پس از پیروزی در کنار پل خداآفرین، عباس میرزا به قلعه شوشی [پناه‌آباد] راند و در محلی به نام عسکران نزدیک شوشی با نیروهای کمکی روسیه که به فرمان سیسیانف به یاری ابراهیم خان جوانشیر آمد، بودند روبه‌رو شد. نبرد آغاز گشت ولی سرانجام به شکست روس‌ها منتهی شد و قلعه شوشی به تصرف قوای ایران درآمد. سپس به دستور شاه، ولیعهد جهت تصرف گنجه بدان سو حرکت کرد که با تاکتیک خاص اسماعیل خان دامغانی در جنگیدن (جنگ و گریز) و کشاندن نیروهای روسی به منطقه صعب العبور آن دره موفق به تصرف شهر گنجه شد و پس از آن عازم ایروان گشت. سیسیانف هم برای آنکه از فشار سپاه ایران در جبهه قفقاز بکاهد به دستور تزار جبهه‌ی جدیدی در جنگ گشود و ژنرال شفت را با دوازده کشتی مملو از آذوقه و توپ و تفنگ روانه انزلی کرد. شفت و مردانش بدون مقاومت در انزلی پیاده شده و رهسپار رشت گردیدند (سلماسی زاده، ۱۱۳: ۱۳۸۶-۱۱۰).

لیکن به علت [مقاومت دسته‌ای از سپاه ایران] به فرماندهی میرزاموسی، حاکم رشت و میرزایوسف خان گرجی اشرفی که مأمور گیلان شده بود با شکست به باکو عقب نشینی کردند. حاکم باکو، حسینقلی خان، در برابر شفت پایداری می‌کرد تا قوای امدادی عباس میرزا رسید. سیسیانف خود به کمک شفت شتافت و برای آنکه سپاه خود و قوای شفت را از نابودی نجات دهد، با حسینقلی خان روابط دوستی برقرار ساخت.

حاکم مزبور نیز موقع را مناسب دید و سردار روس را برای مذاکره صلح به حوالی قلعه بادکوبه دعوت نمود و در آنجا او را به وسیله پسرعموی خود به قتل رساند. سواران ایرانی بر سپاه بی‌سردار

روس تاختند و عده‌ی کثیری را کشتند. شفت نیز با کشتی‌های جنگی خود راه لنکران را پیش گرفت. جنگ‌های تعرض ایران در سال ۱۲۲۰ هجری قوای روسیه را چندین کیلومتر به طرف کوهستان قفقاز عقب راند. معابر شهر قفقاز به تصرف قوای ایران درآمد ولی در سال ۱۲۲۱ [ق.ه] به واسطه خیانت بعضی از حکام قفقاز به سپاه روس مواضع سوق الجیشی خود را که در اوایل سال ۱۲۲۰ تصرف کرده بود، مجدداً به دست آورد و بار دیگر میدان جنگ را از کنار دریای خزر مصب رود کورا به حوضه آریاجای و ولایت ایروانی انتقال یافت (شمیم، ۹۰: ۱۳۷۹-۸۹).

گفتنی است در این ایام دولت انگلیس برای رفع خطر از جانب افغانستان، با اعزام نماینده‌ای از جانب کمپانی هند شرقی به دربار ایران موفق به وادار کردن دولت ایران جهت حمله به افغانستان شد. این امر سبب عقب نشینی زمان شاه از پشت دروازه هند و بازگشت به افغانستان شد (ورجوند، ۱۲۴: ۱۳۷۸-۱۲۲). از سویی دیگر دولت ایران به دلیل عدم حمایت انگلیس از آن در جنگ با روسیه، چون در آن زمان انگلستان علیه ناپلئون متحد روسیه شده بود، به جانب فرانسه روی آورد و با توجه به اشتیاق فرانسه برای حمله به هندوستان، به ایجاد رابطه با ایران تمایل پیدا کرد. به طوری که در ۱۸۰۷ م. [۱۲۲۲ ق.ه] در فین کنشتاین [محل اردوی ناپلئون در لهستان]، ایران و فرانسه پیمان اتحاد علنی علیه روسیه را امضاء کردند. در ماده ۲ این پیمان گفته می‌شد «اعلیحضرت امپراتور فرانسه، پادشاه ایتالیا، تمامیت ارضی سرزمین کنونی ایران را برای اعلیحضرت شاهنشاه ایران تضمین می‌کند». در ماده ۳ آمده بود که «اعلیحضرت امپراتور فرانسه، پادشاه ایتالیا، می‌پذیرد که گرجستان به طور مشروع متعلق به اعلیحضرت شاهنشاه ایران است». ناپلئون قول می‌دهد که هر تلاشی را برای وادار کردن روسیه به عقب نشینی از گرجستان انجام دهد، و به سازمان دهی ارتش ایران «بر طبق اصول فنی نظامی اروپا» یاری می‌رساند. در عوض ایران می‌بایست با انگلستان وارد جنگ می‌شد، افغان‌ها را ترغیب به حمله به هندوستان می‌کرد، و به سپاهیان فرانسه که ناپلئون قصد داشت در آینده به هندوستان بفرستد اجازه عبور از خاک ایران را می‌داد. ناپلئون برای اجرای این پیمان یک هیأت نظامی به ریاست ژنرال گاردان را به ایران اعزام داشت (آوری و دیگران، ۳۱۸: ۱۳۷۸-۳۱۷). قسمتی از پیاده نظام ایران را تحت تعلیمات خود قرار دادند و به زودی در بهار ۱۲۲۲ هجری هیئت مزبور افواج جدید پیاده نظام ایران که به وسیله افسران فرانسوی تعلیم دیده بودند، به اردوی عباس میرزا ملحق شدند (شمیم، ۸۹: ۱۳۷۹). اما در این میان سفیر فرانسه که مخدوم او چندی بعد و در خیانتی آشکار پشت به ایران کرده و با تزار

روس عهدنامه [صلح تیلسیت در سال ۱۸۰۷ م.] امضاء کرده بود (مؤمنی، ۳۵: ۱۳۴۵-۱۳۴۶). سعی بر آن داشت که ایران و روس را به صلح وادار کند (شمیم، ۹۰: ۱۳۷۹).

تلاش‌های فرانسه برای میانجیگری میان ایران و روسیه محکوم به شکست بود چون نه الکساندر موافق بود گرجستان را رها کند و نه فتحعلی شاه حاضر بود از دست دادن آن را بپذیرد. ناپلئون نیز نه تمایل داشت و نه امکان تحمیل توافقی را داشت. لذا اتحاد ایران و فرانسه باطل شد (آوری و دیگران، ۳۱۸: ۱۳۷۸). از سوی دیگر روس‌ها جنگ طولانی با ایران را پیش‌بینی نمی‌کردند و تزار روس با اطلاعاتی که از وضع سیاسی و نظامی که آن عصر ایران داشت، تصور می‌کرد که با چند حمله متوالی و وارد کردن تسلیحات نظامی در قفقازیه و قفقازیه مرکزی دربار ایران را به قبول مقاصد خود وادار خواهد کرد و هرگز انتظار نداشت که شاه ایران با آن همه گرفتاری‌های داخلی بتواند مدت زیادی در برابر حملات سپاه روسی مقاومت کند (قدیانی، ۳۲: ۱۳۸۴). در این میان، فتحعلی شاه اگر چه با صلح مورد نظر که به شدت به ضرر ایران بود مخالفت نمود ولی بنا به وعده‌های گاردان که تقاضای متارکه جنگ از سردار روس [گودوویچ که پس از قتل سیسیانف فرمانده روس شده بود] نموده بود، فرزند خود را از تعرض به نیروهای روسیه بازداشت و این امر به ضرر ایران تمام شد (شمیم، ۹۵: ۱۳۷۹). چون طرف روسی به قرارداد ترک مخاصمه پایبند نماند و گودوویچ علی‌رغم وعده‌های صریح گاردان در ناحیه ایروان به تعرض شدیدی مبادرت ورزید (ورهرام، ۲۳۵: ۱۳۶۴).

اما سپاهیان ایران رشادت به خرج دادند و قلعه شهر را نجات دادند و سپاه روس به حالت شکست و پس از دادن تلفات زیاد عقب نشست. گودوویچ مدتی بعد توسط تزار الکساندر احضار شد و جای خود را به ژنرال «انشف ترومسوف» داد (براهوئی، ۶۱: ۱۳۸۷).

حملات مشترک عباس میرزا و محمدعلی میرزا (۱۲۲۴ هجری قمری)

در این سال ژنرال گاردان در پی ورود سر هاردفورد جونز سفیر انگلیس که برای عقد قرارداد دیگری وارد ایران شد ناچار ایران را ترک کرد (آوری و دیگران، ۳۱۸: ۱۳۷۸). و بنا به قراردادی که بین ایران و انگلیس بسته شده بود افسران انگلیسی در سپاه ایران شروع به خدمت کردند. در این هنگام، روس‌ها مجدداً به سرزمین ایران تعرض کردند. فتحعلی شاه با ۲۰ هزار نفر سپاه پادگان مرکز

به تبریز رفت و فرزندش محمدعلی میرزا نیز با ۲۰ هزار نفر از کردستان به کمک رسید و عباس میرزا نیز ۲۰ هزار نفر آماده داشت. شورای فرماندهی تصمیم گرفت که در دو جبهه با قوای روسیه بجنگد. بدین ترتیب که محمدعلی میرزا مأمور جبهه تفلیس و عباس میرزا مأمور گنجه شدند و فتحعلی شاه خود در کنار ارس توقف کرد تا در صورت لزوم قوای امدادی به کمک فرزندان خود بفرستد. بر اثر این تعرض، قوای روسیه در کنار ارس و حوالی مغان عقب نشستند. لیکن این تعرض قوای ایران را کاملاً ضعیف ساخت. هر چند که در سال ۱۲۲۶ هجری بار دیگر فتوحاتی نصیب ایران گردید ولی معابر جنوبی و شرقی قفقازیه به دست سپاه روس افتاد و راه پیشرفت بر عباس میرزا مسدود گردید و فقط می‌توانست نیروی خود را برای مدافعه قلاع و استحکامات کنار ارس به کار اندازد (شمیم، ۹۱: ۱۳۷۹).



شکست اصلاندوز در جنگ‌های دوره اول (۱۲۲۷ق/ ۱۸۱۲ م)

تلاش‌های فرانسه برای میانجیگری میان ایران و روسیه محکوم به شکست بود چون نه الکساندر موافق بود گرجستان را رها کند و نه فتحعلی شاه حاضر بود از دست دادن آن را بپذیرد. ناپلئون نیز نه تمایل داشت و نه امکان تحمیل توافقی را داشت. لذا اتحاد ایران و فرانسه باطل شد

در فاصله سالهای ۱۸۰۹ م - ۱۸۱۲ م. نبردهای تاریخی بزرگی میان قوای روسیه و ایرانی رخ نداد. ولی حالت آماده باش همچنان ادامه داشت. روسیه در اروپا گرفتار بود و به جبهه قفقاز فقط آن قدر نیرو می‌فرستاد که حالت جنگی را بیدار نگهدارد (پاکروان، ۱۶۰: ۱۳۷۶). اما از سال ۱۲۲۷ هجری سردار روس

کتلروفسکی با نقشه دقیقی شروع به تعرض نمود (شمیم، ۹۱: ۱۳۷۹). سرگور اوزولی جانشین سر هاردفورد جونز نیز برخلاف مفاد عهدنامه مفصل به دربار ایران فشار آورد تا با روسیه صلح کند (ابوالحسن شیرازی، ۳۹: ۱۳۷۰-۲۸) و به صاحب منصبان انگلیسی هم که در سپاه عباس میرزا بودند امر داد که از جنگ با روسیه دست بردارند.

در این میان سپاه ایران که به امر ولیعهد در محل اصلاندوز در کنار ارس مقیم شده بودند در موقعی که عباس میرزا خود به شکار رفته بود مورد حمله ناگهانی روس‌ها قرار گرفتند و رشته انتظام سپاه ایران بر اساس این حمله ناگهانی از هم گسیخت و وقتی خبر به عباس میرزا رسید - چون نیمی از قوای خود را از دست داده بود - از ارس گذشت و به تبریز عقب نشست. فرمانده روسی در

دو طرف مورد تهدید قرار گرفت (پیرنیا و دیگران، ۶۷۲: ۱۳۸۴). بدین ترتیب عباس میرزا در نتیجه فشار سپاهیان روسیه و عدم تعرض انگلیسی‌ها و بی‌کفایتی دربار ایران، شکست خورد و هیئت حاکمه ناچار شد به پیمان صلح با روسیه تن در دهد (ابوالحسن شیرازی، ۳۹: ۱۳۷۰).

عهدنامه گلستان

در ابتدا طرح یک سؤال ضروری به نظر می‌رسد که چرا دولت انگلیس خواهان برقراری صلح بین ایران و روسیه بود؟ راین اهداف اوزلی و دولت انگلیس را از قبولانندن این معاهده این چنین بیان داشته که: «اوزلی فراماسون برای جدا کردن قفقاز از ایران و تصرف و متلاشی کردن ایران بزرگ و به خاطر اینکه برای همیشه یارای حمله به هند و کمک به آزادی



خواهان و شورشیان هندی را از ایران سلب کرده باشند، شاه و درباریان را مجبور کرد تا با قبول قرارداد صلح با روسیه و انتزاع ۱۷ شهر قفقاز از ایران که میرزا ابوالحسن خان آن را امضاء کرد هم روسیه را راضی کنند و هم بزرگترین و آبادترین استان‌های شمالی کشور را از ایران جدا سازند» (رائین، ۲۴: ۱۳۸۲). از سوی دیگر دولت روسیه که در این زمان سخت گرفتار کشمکش با ناپلئون بناپارت بود از تقاضای صلح با ایران «با وساطت انگلستان» ابراز تمایل کرد (پیرنیا و دیگران، ۶۷۳: ۱۳۸۴).

هر چند که در سال ۱۲۲۶ هجری بار دیگر فتوحاتی نصیب ایران گردید ولی معابر جنوبی و شرقی قفقاز به دست سپاه روس افتاد و راه پیشرفت بر عباس میرزا مسدود گردید و فقط می‌توانست نیروی خود را برای مدافعه قلاع و استحکامات کنار آرس به کار اندازد

سرانجام عهدنامه ای در گلستان از توابع قره باغ در ۱۱ فصل و یک مقدمه نوشته شد و در تاریخ ۲۹ شوال سال ۱۲۲۸ ه. ق مطابق با ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ میلادی با حضور سفیر انگلیس [سرگور اوزلی] به وسیله میرزا ابوالحسن خان شیرازی نماینده ایران و نیکولا نماینده فوق العاده تزار و سردار روس [یرملوف] به امضاء رسید (شمیم، ۹۲: ۱۳۷۹).

پیامدهای عهدنامه گلستان

در ابتدا لازم است که به مهمترین مفاد عهدنامه گلستان پرداخته شود تا پیامدهای همه جانبه آن روشن گردد. اینک طبق سند شماره ۵۱ وزارت امور خارجه که موضوع آن مواد عهدنامه انگلستان

بین ایران و روسیه است فصول سوم و چهارم از عهدنامه مزبور را که به نظر می‌رسد از مهمترین مفاد آن باشد مورد بررسی قرار می‌گیرد:

«فصل سیم - اعلی حضرت کیوان رفعت پادشاه اعظم مالک ممالک ایران به جهت ثبوت دوستی و وفاقی که به اعلی حضرت قدر قدرت پادشاه اعظم و امپراطور کل ممالک اروسیه دارند با این صلحنامه به عوض خود ولیعهدان عظام تحت شاهانه ایران و لایات قره باغ و گنجه که مسمی به ایلی سابق بولست و الکای خوانین نشین شکی و شیروان و قبه و دربند و بادکوبه و هر جا از ولایت طالش را با خاکی که الان در تحت تصرف دولت اروسیه است و تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره کل و آجوق باشی و کوریه و منکریل و اپخاز و تمامی الکاء و اراضی که در میانه قفقاز لینه و سرحدات معینه الحاله بوده و نیز آنچه که از اراضی و اربابی قفقاز لینه الی کنار دریای خضر متصل است مخصوص و متعلق به ممالک ایمیریه اروسیه می‌داند.» (اداره انتشار اسناد، ۲۶۵: ۱۳۷۲-۲۶۴). از پیامدهای منفی عهدنامه گلستان جدایی بخش وسیعی از نواحی قفقاز از ایران بود. آن هم نواحی همچون گرجستان که یکی از علل اصلی جنگ بین طرفین بود. لذا هر محقق با اندکی تأمل در فصل سوم عهدنامه مزبور، ناخودآگاه این سؤال در ذهن او خطور می‌کند که اگر جنگ بر سر نواحی قفقاز بود پس چرا در صلح نامه ایران آن را به راحتی از دست داد؟ مناسب‌ترین پاسخ برای این سؤال را می‌توان این گونه بیان کرد: «عهدنامه گلستان از شوم‌ترین معاهداتی است که در تاریخ ایران جدید به امضاء رسید، بلکه چون اولین عهدنامه زشتی بوده است که اولیای امور ایران از شدت بی خبری با یک دولت اروپایی بسته‌اند و ندانسته در موقعی که روسیه در اروپا گرفتار بزرگترین بلایا بوده به قبول و خواهش آن دولت تن در داده‌اند موجبات بدبختی‌های بزرگی را برای آینده ایران فراهم ساختند.» (پیرنیا و دیگران، ۶۷۳: ۱۳۸۴).

«فصل چهارم - اعلی حضرت قضا قدرت پادشاه اعظم و امپراطور و مالک ممالک اروسیه برای اظهار دوستی و اتحاد خود نسبت به اعلی حضرت خورشید رایت شاه والا شوکت ایران و به جهت اثبات این معنا که بنا به همجواریت طالب و راغب است که در ممالک شاهانه ایران مراتب استقلال و اختیار پادشاهی را در بنای اکید مشاهده و ملاحظه نماید لهذا از خود و از عوض ولیعهدان عظام اقرار می‌نمایند که هر یک از فرزندان عظام ایشان که به ولیعهدی دولت ایران تعیین می‌گردد هرگاه محتاج به اعانت و امدادی از دولت اروسیه باشند مضایقه ننمایند تا از خارج کسی نتواند دخل در مملکت ایران نماید و به امداد و اعانت اروس دولت ایران محکم و... گردد و اگر در سراسر امور

داخله مملکت ایران فی مابین شاهزادگان مناقشتی رخ نماید دولت علیه‌ی اروس را در آن میانه کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید.» (اداره انتشار اسناد، ۲۶۵: ۱۳۷۲). بدین ترتیب با بررسی فصل چهارم عهدنامه گلستان می‌توان پی برد که زمینه دخالت‌های سیاسی دول بیگانه و به ویژه روسیه در همین ماده شکل می‌گیرد. چنانچه بررسی دوره قاجاریه مبین و موید این طلب است و شاهان بعدی قاجار هر کدام به نوعی با حمایت دول خارجی و روسیه تزاری توانستند بر مسند قدرت بنشینند.

از دیگر فصول مهم این عهدنامه می‌توان به فصول دو و پنج اشاره کرد. فصل دوم به پذیرش اصل حفظ وضعیت موجود توسط دو طرف تأکید داشت و خط مرزی را به گونه‌ای که در عهدنامه آمده بود مشخص کرد (لسان‌الملک سپهر، ۲۰۲: ۳۷۷۱). البته این امر به گونه‌ای مبهم صورت گرفت. در تأیید این مطلب می‌توان به نظر آقای ورهرام اشاره کرد. وی ضمن شرح مواد عهدنامه گلستان بیان می‌کند که مرز جدید بین دو کشور در این عهدنامه دقیقاً مشخص نشد و همین امر بود که مجدداً باعث جنگ بین ایران و روسیه گردید (ورهرام، ۵۳: ۱۳۶۴). فصل پنجم معاهده حق انحصاری دارا بودن کشتی‌های دریای خزر را به روسیه داد (ورهرام، ۵۳: ۱۳۶۴). یعنی روسیه تنها کشوری شناخته شد که می‌توانست در دریای خزر کشتی‌های جنگی داشته باشد. بدین ترتیب روسیه در هر زمان توانایی حمله نظامی از طریق دریای خزر به ایران را جهت دستیابی به اهداف مورد نظر خود را داشت. از سوی دیگر در کنار آثار منفی این معاهده، می‌توان بیان داشت که معاهده گلستان به طور غیر مستقیم زمینه‌ساز آثار دیگری نیز گردید. بدین ترتیب که معاهده گلستان، غرور ملی ایرانیان را شکست و یکی از مهمترین اسباب بی‌اعتباری دستگاه قاجاریه گردید و از عناصر سازنده‌ی زمینه جنبش‌های اعتراضی علیه قاجار در سال‌های آینده گردید (باقی، ۴۵: ۱۳۷۰).

اوضاع ایران پس از معاهده گلستان

در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت که معاهده گلستان از نظر سیاست داخلی و خارجی دوره جدیدی را در تاریخ ایران برقرار ساخت. توضیح آنکه جنگ‌های طولانی که منجر به شکست ایران شد، حکومت مرکزی را ضعیف کرد و باعث سرپیچی و شورش رؤسای قبایل گردید و همچنین در روابط خارجی ایران با دولت‌های انگلیس و عثمانی وضعیت جدیدی را آغاز کرد. چنانچه یک سال پس از معاهده گلستان، انگلیسی‌ها در عهدنامه مفصل تجدیدنظر کردند و معاهده قطعی را مشتمل

بر یازده ماده در تهران امضاء نمودند که به معاهده تهران معروف شد (۱۲ ذیحجه ۱۲۲۹ ه.ق/ ۲۵ نوامبر ۱۸۱۴ م). تغییرات این معاهده با معاهده گلستان ارتباط مستقیم داشت و منظور آن تعدیل سلطه سیاسی روسیه در ایران بود. بدین ترتیب دولت ایران که به مساعدت‌های دولت انگلیس مطمئن شده بود، انتظار داشت که قسمتی از اراضی ایران را پس از معاهده گلستان از روسیه استرداد نماید (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، مقدمه کتاب: ۲۳). چنانچه بعد از انعقاد عهدنامه فتحعلی شاه به جهت استرداد اراضی قفقاز، میرزا ابوالحسن خان ایلچی را [در سال ۱۲۳۲ ه.ق] به روسیه فرستاد. اما جواب تزار به ایلچی ایران بسیار دلسرده کننده بود. تزار اعتقاد داشت که سرزمین‌های یادشده با قهر و غلبه مسخر نگردیده و حکام منطقه با میل و رغبت حکومت روسیه را



پذیرفته‌اند و افزون بر این اهالی گرجستان به علت مسیحی بودن تابعیت روسیه را پذیرا ترند (تکمیل همایون، ۱۳۸۲:۷۳). برای حل اختلافات راجع به گنجه، شیروان، تالش نیز ژنرال آلکسی پتروویچ یرملوف سردار خود را به حکومت قفقازیه و سفیر فوق العاده روسیه در دربار ایران برگزید (شمیم، ۱۳۷۹:۹۴-۹۳). اما در این بین همان طور که پیش‌تر اشاره شد اختلافات مرزی دو طرف که ریشه در ابهام خط مرزی فصل دوم عهدنامه گلستان داشت همانند آتش زیر خاکستری بود که آتش جنگ را بار دیگر در میان دو کشور برافروخته کرد که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

عهدنامه گلستان
از شوم‌ترین معاهداتی است
که در تاریخ ایران جدید به امضاء
رسید، بلکه چون اولین عهدنامه
زشتی بوده است که اولیای
امور ایران از شدت بی‌خبری
با یک دولت اروپایی بسته‌اند

دوره دوم جنگ‌های ایران و روس، اسباب و علل آنها

به طور کلی با بررسی متون تاریخی و نوشته‌های مورخین و محققین معاصر می‌توان استنباط کرد که سه گروه در آغاز دوره دوم جنگ‌ها نقش داشته‌اند:

(۱) علما و مجتهدین شیعه: قدر مسلم آنکه علما در شروع جنگ‌های دوره دوم نقش اساسی داشته‌اند. آنان با صدور فتوای جهاد و تحریک و تحریض مردم به جنگ مقدس با روس‌ها، ایران را یکسره در مقابل روس‌ها بسیج کردند. بدین ترتیب که در فاصله انعقاد عهدنامه گلستان تا شروع

مرحله دوم جنگ‌های ایران و روس، جداشدن بخشی از قلمرو ایران و الحاق آن به سرزمین روسیه باعث ایجاد کینه و نفرت در بین مردم گردید و انتشار خبر ظلم و ستم وارده بر مسلمین تحت سلطه روس عواطف مذهبی مردم را جریحه دار کرده و باعث صدور فتاوای متعدد مبنی بر وجوب جهاد علیه روسیه شد و این فتواها اشتیاق مردم را به آزادسازی سرزمین‌های اسلامی فراوان تر کرد (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، مقدمه کتاب: ۲۳).

۲) انگلیسی‌ها: بررسی منابع تاریخی حاکی از آن است که انگلیسی‌ها دریافته بودند که دوستی و همکاری ایران و روس به نفع انگلیس نیست و هاردفورد جونز نخستین دیپلمات انگلیسی بود که در سال ۱۲۱۶ ه. ق [۱۸۰۱ م.] دریافت که دوستی و همکاری ایران و روس برای انگلیس زیان آور است و دشمنی میان آن دو برای انگلیس زیانی کمتر



دارد (حائری، ۲۴۳: ۱۳۸۰). این کشف جونز به همراه این مسئله مهم بود که ایران هر چند در جنگ با روسیه شکست خورده بود، اما هنوز می‌توانست برای افغانستان که دروازه هندوستان بود خطرناک باشد (نوائی، ۲۴۳: ۱۳۶۹-۲۴۲). همچنین دولت انگلستان در این آتش افروزی مقاصد گوناگونی داشت که از آن جمله مشغول کردن روس‌ها در جنگ دیگری با ایران در قفقاز بود، زیرا نه تنها هنوز پیشروی تدریجی روس‌ها در شرق ایران، خطری برای متصرفات آن در هندوستان به شمار می‌رفت، بلکه تصمیم روس‌ها به اشغال قسطنطنیه و تسلط بر تنگه داردانل، به دنبال شکست عثمانی از ایران و علنی شدن ضعف نظامی آن، بر خلاف مصالح دولت‌های غربی و به ویژه انگلستان بود (ورجاوند، ۱۳۹: ۱۳۷۸).

در فاصله انعقاد عهدنامه گلستان تا شروع مرحله دوم جنگ‌های ایران و روس، جداشدن بخشی از قلمرو ایران و الحاق آن به سرزمین روسیه باعث ایجاد کینه و نفرت در بین مردم گردید و انتشار خبر ظلم و ستم وارده بر مسلمین تحت سلطه روس عواطف مذهبی مردم را جریحه دار کرده و باعث صدور فتاوای متعدد مبنی بر وجوب جهاد علیه روسیه شد.

۳) عباس میرزا: تعداد زیادی از محققین تاریخ معاصر بر این عقیده‌اند که عباس میرزا خود از مخالفین دوباره جنگ با روس‌ها بوده است؛ بطوری که آقای نوائی عباس میرزا را در کنار قائم مقام و معتمد الدوله نشاط جزء مخالفین جنگ می‌دانستند. لیکن برخی معتقدند که عباس میرزا موافق و محرک اصلی جنگ‌های ایران و روس بوده است از جمله خانم ناطق معتقد است که عباس میرزا از شورش دکابریست‌ها [جنبش نوگرایانه و ضد اشرافی‌گری روسیه که برخی آن را اولین انقلاب

روسیه دانسته‌اند] می‌تواند در سرحدات شمالی اغتشاش ایجاد کند و از این طریق هم سالی دویست هزار تومان از انگلیسی‌ها دریافت نماید و هم روس‌ها را که در موقعیت بحرانی بودند، مجبور نماید قسمتی از ولایات را تخلیه کند (ناطق، ۱۳: ۲۵۳۷). به نظر می‌رسد پذیرش دیدگاه فوق چندان مستدل نباشد زیرا عباس میرزا به عنوان فردی اصلاح طلب و با آگاهی از ضعف سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران با این راهکار نه چندان منطقی نمی‌توانست باعث دخالت بیشتر دولت‌های بیگانه و به ویژه انگلیس بشود. اما به هر حال و با تمام این مسائل آتش جنگ شعله ور شد.

آغاز درگیری‌ها و فتوحات سپاه ایران

برای آغاز جنگ بهانه‌ای لازم بود و این بهانه را قبلاً روس‌ها در متن معاهده گلستان به جای گذاشته و دولتمردان ایران نیز بدان توجه نکرده بودند. در آن قرارداد [چنانچه اشاره شد] خط مرزی میان دو کشور به روشنی مشخص نشده بود (ابوالحسن شیرازی، ۴۰: ۱۳۷۰). و به همین خاطر کمیسیون مرزی برای حل اختلافات مرزی در سال ۱۲۳۴ ه.ق با حضور نماینده ژنرال یرملوف [سفیر فوق العاده روس و فرمانده کل نیروهای قفقاز] به نام مازارویچ در تهران تشکیل شد، ولی موفقیتی حاصل نگردید و سپس مکاتبات زیادی مابین یرملوف و عباس میرزا جهت رفع اختلافات چند نقطه مرزی انجام شد که آن هم بی نتیجه ماند. بعد از این مذاکرات، در سال ۱۲۴۱ ه.ق/ ۱۸۲۵ م. یرملوف ناحیه کوچک بین ایروان و دریاچه ی گوگچه را که از نظر سوق الجیشی و تسلط بر منطقه ایروان برای ایران مهم بود، متصرف شد که موجب اعتراض ایران گردید و فتحعلی خان [حاکم تبریز] به عنوان نماینده ایران به نزد یرملوف رفت و بعد از مذاکرات، موافقت نامه‌ای را امضاء نمودند که به موجب آن گوگ چای به روس‌ها و قپان به ایران ملحق می‌شد. این موافقت نامه [به دلیل فوق] مورد قبول عباس میرزا قرار نگرفت (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، مقدمه کتاب: ۲۴-۲۳؛ ورجاوند، ۱۳۷: ۱۳۷۰). بدین ترتیب جنگ در تاریخ ۲۰ ذیحجه ۱۲۴۱ ه.ق/ ژوئیه ۱۸۲۶ م. با هجوم حسین خان سردار بیگلربیگی ایروان آغاز شد (اجلالی، ۲۷: ۱۳۷۳). عباس میرزا نیروهای خود را در چند جبهه مختلف به حرکت انداخت. در جبهه ایروان حسین خان و سپاهیان او از مرزهایی که در عهدنامه گلستان تعیین شده بود گذشته و سپاهیان روس را در هم کوبیدند، یرملوف فرمانده روس با شتاب نیروهای خود را جمع کرد و به مقابله با سپاهیان ایران پرداخت. هجوم سپاهیان ایران

سالیان به تصرف قوای ایران درآمد. گنجه با هشت عراده توپ تسخیر شد. شیروان و شکی ضمیمه ممالک محروسه شد و قلعه شوشی به محاصره درآمد (خورموجی، ۱۸: ۱۳۶۳). از سوی دیگر سپاه ایران از کمک‌های مردمی نیز بهره مند بود بطوری که مسلمانان شهر گنجه پادگان روس آنجا را قتل عام نمودند و ایرانیان تا دروازه‌های تفلیس تاخت و تاز کردند. ایرانیان به قدری در عملیات خود پیروز بودند که در کمتر از یک ماه تمام شهرهای شیروان، شاخی، تالش و گنجه همگی دوباره به تصرف نیروهای شاه ایران درآمدند ولی شوشی در مقابل تمام کوششهای عباس میرزا مقاومت کرد (سایکس، ۴۶: ۱۳۶۸). در بار روسیه که از قیام مردم و شکست سپاهیان به وحشت افتاده بود لشکریان مجهز به توپخانه سنگین و جنگجویان سوارکار را به مقابله با نیروهای ایران فرستاد. یرملوف از فرماندهی نیروهای روسی برکنار شد و فدروویچ پاسکویچ [که در جبهه شرق اروپا و در جنگ‌های عثمانی آزموده شده بود] جانشین وی شد (قدیانی، ۳۸: ۱۳۸۴).

جنگ گنجه و آغاز شکست سپاه ایران

مهمترین جنگی که در دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه اتفاق افتاد جنگ گنجه بود. فتوای جهاد، نیروی نظامی و روحیه سپاهیان را به شدت تقویت کرده بود (ابوالحسن شیرازی، ۴۱: ۱۳۷۰). جنگ گنجه در دو مرحله صورت گرفت. ابتدا لشکری به فرماندهی محمد میرزا و امیرخان سردار در ناحیه شمکور با نیروهای روسی به فرماندهی ژنرال مددوف درگیر شدند که در نهایت مددوف به یاری توپخانه بر نیروهای سپاه ایران غالب آمد. در این جنگ امیرخان سردار کشته شد و گنجه مجدداً سقوط کرد (قدیانی، ۳۸: ۱۳۸۴). در مرحله دوم عباس میرزا که با ۳۰ هزار سپاهی عازم حمله به روس‌ها بود در نزدیکی گنجه با سپاه دشمن روبه رو گردید. در ابتدا پیروزی با ایرانیان بود و اگر در سپاه بی‌نظمی و هرج و مرج به وجود نمی‌آمد در این جنگ ایران فاتح می‌گردید. علت این بی‌نظمی آن بود که عباس میرزا به پسرانش پیغام فرستاد که خود را از معرکه برکنار دارند و ایشان تصور کردند که عباس میرزا دستور داده است که همراه با لشکریانش بگریزند از این رو فرمان عقب نشینی دادند و با این عمل کلیه سپاهیان ایران دچار بی‌نظمی و اختلال شدند. به طوری که عباس میرزا هر چه کوشید نتوانست قشون ایران را جمع‌آوری کند و متأسفانه این جنگ به پیروزی روس‌ها منتج شد (براهوئی، ۸۸: ۱۳۸۷). در یک جمع‌بندی کلی سه مسئله را می‌توان عامل اصلی شکست ایران در جنگ گنجه معرفی کرد: ضعف فرماندهی، رقابت شاهزادگان قاجار و کمبود

وسایل جنگی (ابوالحسن شیرازی، ۴۱: ۱۳۷۰). روس‌ها پس از این پیروزی بر شدت حملات خود افزودند و ایروان و تبریز و اردبیل را تصرف کردند (ورهرام، ۵۴: ۱۳۶۴). دیگر شکست‌های سپاه ایران بدین شرح می‌باشند که پاسکویچ در الیزابت پل در سپتامبر ۱۸۲۶ م [۱۲۴۱ ه. ق.] شاهزاده راشکست داد و در پایان سال بعد سردار آباد را از عباس میرزا گرفت و با تسخیر ایروان در ۱۲ اکتبر ۱۸۲۷ م [۱۲۴۲ ه. ق.] لقب ایروانسکی (یعنی ایروانی) یافت. (افشار یزدی، ۶۴: ۱۳۵۸).

سقوط تبریز و پیشروی قوای روس به سوی پایتخت

پس از فتوحات فوق پاسکویچ از طرف امپراتور روسیه دستور گرفت که در هر صورت قوای خود



ایرانیان به قدری در عملیات خود پیروز بودند که در کمتر از یک ماه تمام شهرهای شیروان، شاخی، تالش و گنجه همگی دوباره به تصرف نیروهای شاه ایران درآمدند ولی شوشی در مقابل تمام کوششهای عباس میرزا مقاومت کرد

را از ارس بگذرانند و به خاک آذربایجان وارد شود و راهی که آذربایجان را به پایتخت اتصال دهد، اشغال کند و پایتخت ایران را مورد تهدید نظامی قرار دهد. به همین منظور ژنرال آریستوف بعد از تصرف سردار آباد مأمور شد که مستقیماً به طرف تبریز پیش برود. ولیعهد دسته‌های متفرق سپاه خود را در خوی تمرکز داد و حفظ تبریز را آصف الدوله واگذاشت. در این موقع پاسکویچ مشغول تسخیر نخجوان بود و آریستوف به طرف تبریز پیش می‌رفت، ولیعهد، فتحعلی خان رشتی را نزد پاسکویچ فرستاد و از او تقاضا کرد که از پیشروی به

طرف تبریز جلوگیری کند تا قرار مذاکره صلح داده شود ولی قبل از آنکه این اقدام به نتیجه برسد، دروازه‌های تبریز به روی آریستوف باز شد (شمیم، ۱۰۱: ۱۳۷۹).

در این بین یک سوال مطرح می‌شود که شهر تبریز چگونه به این سرعت و سهولت فتح شد؟ نویسنده‌ی روضه الصفا، تسلیم شدن شهر تبریز را ناشی از اختلافات اهالی آذربایجان در حمایت یا عدم حمایت از نایب السلطنه و نیز ناخشنودی از انتصاب آصف الدوله به ادامه امور تبریز و نیز از خستگی نسبت به جنگ‌های چندساله می‌داند. همچنین میرفتاح روحانی - از روحانیون جوان و منتقد تبریز که یکی از دروازه‌های شهر تبریز، به خواست او بر روی سپاهیان روس گشوده شد - را مسبب تسلیم شهر معرفی می‌کند (هدایت، ۷۸۶۹-۱۳۸۰: ۷۸۶۸).

اما آقای ورجاوند درباره چگونگی تسلیم شهر تبریز می‌نویسد: «شواهد نشان می‌دهد که تسلیم شهر تبریز، نه به سبب همدستی با روسها بلکه بر اثر اقوای بعضی از وعاظ شهر، چون میرفتاح و نیز، تهدید گروهی از عوام و اوباش توسط عناصری خود فروخته و دشمنی با عباس میرزا به بهانه ی جلوگیری از کشتار و غارت اموال مردم در صورت تسلط قهرآمیز روسها صورت گرفته و جمعی از مردم تاجر پیشه تبریز بدون ارزیابی درست از توانایی دشمن و به این تصور که تسلط روسها به آن شهر قطعی است، چاره را در تسلیم دیده و در گشودن دروازه شهر و استقبال از نظامیان روسی با میرفتاح که جوانی مغرور و جاه طلب بوده همکاری کرده‌اند.» (ورجاوند، ۱۴۴: ۱۳۷۸-۱۴۳).

با سقوط شهر تبریز آخرین امید ولیعهد به یأس مبدل گردید زیرا را با تسلط تبریز خط ارتباط

اردوی او با مراکز سوق الجیشی داخلی به کلی قطع شد

و پاسکویچ نیز از ارس گذشت و به تبریز رسید سپس

قسمتی از سپاه روس تا دهخوارقان پیش رفتند. در آنجا

عباس میرزا که خوی و سلماس را نیز از دست داده بود،

به اردوی پاسکویچ رسید. (شمیم، ۱۰۱: ۱۳۷۹).

در این زمان عباس میرزا که سعی داشت جلوی

روس‌ها را در ترکمنچای گیرد، موفق نشده و از سپاهیان

پاسکویچ شکست خورده عباس میرزا با مشاهده این

وضع، فتحعلی خان و سپس میرزا ابوالقاسم قائم مقام را

برای مذاکره سلاح نزد پاسکویچ فرستاد سپس پس از

مذاکرات زیاد فرمانده قوای روس اظهار داشت: «دولت روسیه شهرهای ایروان، نخجوان و اردوباد

را مسترد نخواهد کرد و رود ارس سرحد دو کشور خواهد شد بعلاوه دولت ایران باید ناحیه مغان و

طالبش را به دولت روسیه واگذار کرد و مبلغ ۱۵ کرور تومان به عنوان غرامت جنگی بپردازد.» این

شرایط پیشنهادی پاسکویچ، مورد قبول فتحعلی شاه قرار نگرفت. سپاهیان روس به پیشروی خود

در جبهه ادامه دادند. هدف نهایی قوای روس تهران بود. پیشروی و تهدید لشکریان روس، سرجان

مکدونالد نماینده دولت انگلیس را در تهران مضطرب ساخت و آن را خطر بزرگی برای امنیت

مستعمره بریتانیا در هندوستان دانست. بنابراین برای جلوگیری از پیشرفت روس‌ها به میانجی

گری پرداخت و در امر صلح پافشاری کرد و قبول نمود که مبلغ دویست هزار تومان از غرامات

با سقوط شهر تبریز آخرین

امید ولیعهد به یأس مبدل گردید

زیرا را با تسلط تبریز خط ارتباط

اردوی او با مراکز سوق الجیشی

داخلی به کلی قطع شد و پاسکویچ

نیز از ارس گذشت و به تبریز رسید

سپس قسمتی از سپاه روس تا

دهخوارقان پیش رفتند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جنگلی قوای ایران را تعهد نماید. مشروط بر آنکه دو بند از معاهده ایران و انگلیس [معاهده تهران] لغو گردد. در نتیجه فتحعلی شاه با پیشنهاد صلح موافقت کرد و مقرر گردید مذاکرات صلح مجدداً در قریه ترکمنچای نزدیکی شهر میانه دنبال شود. (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲، مقدمه کتاب: ۲۵).

عهدنامه ترکمنچای و پیامدهای آن

پس از قبول شرایط صلح توسط فتحعلی شاه، وی ۴۰۰ هزار تومان پول به همراهی منوچهر خان به انگلیس فرستاد و به وساطت سفیر انگلیس مجلسی در قریه ترکمنچای مرکب از سردار مزبور و عباس میرزا و میرزا ابوالقاسم قائم مقام و آصف الدوله و حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی تشکیل گردید و عهدنامه ای در ۱۶ فصل و یک قرارداد تجاری الحاقی در ۹ فصل نوشته شد و در تاریخ ۵ شعبان ۱۳۴۳ ق.ه به امضای نمایندگان ایران و روسیه رسید (شمیم ۱۰۲: ۱۳۷۹).

اینک بر طبق سند شماره ۶۱ وزارت امور خارجه که موضوع آن عهدنامه ترکمنچای فصول ۳-، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹ و ۱۰ مهمترین فصول آن است - به همراه پیامدهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«فصل سیم - اعلی حضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و از جانب ولیعهدان و جانشینان به دولت روسیه واگذار می‌کند تمامی الکای نخجوان و ایروان را خواه این طرف رود ارس باشد یا آن طرف و نظر به اینکه تفویض اعلی حضرت پادشاه ممالک ایران تعهد می‌کند که بعد از امضای این عهدنامه در مدت ۶ ماه همه دفتر و دستورالعمل را که متعلق به اداره این دو ولایات مذکوره باشد به تصرف امرای روسیه بدهد». بر این اساس عهدنامه ترکمنچای همچون عهدنامه گلستان از لحاظ ارضی به ضرر ایران تمام شد.

فصل چهارم عهدنامه مربوط به تعیین خط سرحدی جدید بین ایران و روسیه است.

فصل پنجم - اعلی حضرت پادشاه ممالک ایران برای اثبات دوستی خالصانه که نسبت به اعلی حضرت امپراطور کل روسیه دارد به موجب این فصل از طرف اخلاف و وراث خود تمامی اراضی و جزایری را که در میانه ی خط حدود در فصل مذکور فوق (فصل چهارم) و تیره ی جبال قفقاز و دریای خزر است و همچنین اهالی بدوی و غیره متعلق به دولت روسیه می‌داند.

فصل ششم عهدنامه به موضوع غرامات جنگی می‌پردازد و طی آن فتحعلی شاه قاچار متعهد می‌شود که مبلغ ۱۰ کرور تومان یا بیست میلیون منات سفید روسی برای جبران ضررهایی که

فصل هفتم عهدنامه که به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین فصول ترکمنچای از نظر سیاسی باشد چراکه همانند عهدنامه گلستان ایران را دچار نوعی تحت‌الحمایگی سیاسی می‌کرد. چنانچه بعد از معاهده ترکمنچای ایران از نظر سیاسی مابین قدرت‌های روس و انگلیس محصور گردید و صحنه رقابت‌های سیاسی آنها شد.

فصل مربوطه به این شرح می‌باشد: «چون اعلی حضرت پادشاه ممالک ایران... فرزند خود شاهزاده عباس میرزا را ولیعهد و وراث... خود تعیین نموده است. اعلی حضرت امپراطور کل ممالک روسیه... تعهد می‌کند که از این روز به بعد شخص وجود... عباس میرزا را ولیعهد و وراث برگزیده ی تاج و تخت ایران شناخته از تاریخ جلوس به تخت شاهی پادشاه بالاستحقاق این مملکت داند».

فصل هشتم عهد نامه به موضوع کشتیرانی در دریای خزر قرار داد که بر مبنای آن حق رفت و آمد آزاد کشتی‌های جنگی روسیه در سراسر دریای خزر از طرف ایران به رسمیت شناخته شده است (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۲:۳۳۷).

بدین ترتیب روسیه ناظر بر دریای خزر شد که افزون بر موقعیت استراتژیک آن سرشار از منابع اقتصادی است. حتی اگر پنداشته شود که روس‌ها در آن زمان از فواید اقتصادی آن اطلاعی نداشتند که بعید به نظر می‌رسد لیکن دلیل عمده آنها را برای تسلط بر آن می‌توان ناشی از اهداف سیاسی و نظامی روس‌ها قلمداد کرد و حداقل تأثیر مثبت این تسلط را می‌توان بر نظارت کامل روس‌ها بر عبور و مرور کشتی‌های تجاری و نظامی دانست.

فصل دهم عهدنامه از دیگر فصول مهم می‌باشد که در مورد تأسیس نمایندگی بازرگانی و کنسولگری به همراه تسهیلات ویژه در خاک ایران است (اداره انتشار اسناد، ۱۳۷۹:۳۳۹-۳۳۸). در این فصل اعطای حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) به روسیه داده می‌شود. بدین ترتیب استقلال قضایی ایران خدشه دار شد. بر این اساس می‌توان گفت بحث تحت‌الحمایگی رجال عصر قجری ریشه در کاپیتولاسیون دارد که با اعلام وابستگی خود به یکی از کشورهای روس و انگلیس نفوذ سیاسی و اقتصادی این کشورها را در ایران افزایش داد و چه بسا همین افراد جهت تأمین و تسهیل منافع شخصی خود به اطلاع دهندگان (مطالعین) خبری تبدیل می‌شدند و با آگاه کردن دولت‌های متبوع خود هر چه بیشتر به استقلال سیاسی و اقتصادی ایران ضربه می‌زدند. بدین گونه که تجار وابسته با اعلام تابعیت خود به منظور فرار از مالیات و معافیت گمرکی و سایر

موارد مالی باعث کاهش درآمد کشور می‌شدند.

از دیگر تأثیرات این قرارداد تبعات اجتماعی زیان بار آن است چنانچه جامعه‌ی ایران به موجب این جنگ‌ها فرسوده و سرخورده شد. بازداشتن هزاران ناموس کارآمد روستایی و پیشه‌ور و عشایر از کشتزارها و کارگاه‌ها و بیلاق و قشلاق و اعزام آنها به جبهه‌های جنگی نابرابر از طریق نفوذ در باورهای دینی آنان و متوسل و تشجیع آنها به جهاد، بحران اجتماعی پیچیده و دشواری پدید آورد و موجب شد تا مردم از رهبران سیاسی و فکری خود قطع امید کنند (پناهی، ۸: ۱۳۷۰).

بنابراین می‌توان استنباط کرد که عهدنامه ترکمنچای سرشار از آثار منفی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که ایران را هرچه بیشتر تحت نفوذ روسیه درآورد.



نتیجه‌گیری

منطقه‌ی قفقاز به عنوان یکی از استراتژی‌کی‌ترین

فصل هفتم عهدنامه‌که

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین

فصول ترکمنچای از نظر سیاسی

باشد چراکه همانند عهدنامه

گلستان ایران را دچار نوعی

تحت الحمایگی سیاسی می‌کرد

نقاط جهان همواره مورد توجه و تجاوز قدرت‌های بزرگ

در دوره‌های مختلف تاریخی قرار گرفته است. دوره

قاجاریه نیز از این امر مستثنی نبوده است در این دوره،

روسیه تزاری به دنبال دست‌یابی به اهداف سیاسی،

اقتصادی و نظامی خود از زمان به قدرت رسیدن پترکبیر

به این منطقه توجه ویژه داشت. این امر منجر به برخورد

دو کشور روسیه و ایران شد زیرا بخشی از قفقاز یعنی

قفقازیه مرکزی و جنوبی همیشه جزئی از کشور ایران محسوب می‌شدند. در این بین دولت روسیه

که برای دست یافتن به دریای آزاد از راه قفقازیه کوشش می‌کرد متوجه گرجستان شد. همین

مسئله منجر به جنگ‌های متمادی و طولانی بین دو کشور در دوره قاجاریه شد که نتیجه‌ای

جزء‌ویرانی، غارت و کشتار برای این منطقه به بار نیاورد. مهمترین این برخوردها دو دوره

جنگ‌های ایران و روس به ترتیب در سالهای ۱۲۱۸ - ۱۲۲۸ ه. ق. / ۱۸۰۳ - ۱۸۱۳ م و ۱۲۴۱ الی ۱۲۴۳

ه. ق. / ۱۸۲۶ - ۱۸۲۸ م. بود. در این میان دولت انگلستان برای دور کردن رقبای اروپایی خود نظیر

روسیه از توجه به هند به عنوان قوی‌ترین مستعمره خود سیاست دوگانه‌ای را در پیش گرفت. از یک

سو ایران را متوجه افغانستان می‌کرد تا هم خطر حمله‌ی افغان‌ها به هند را از بین ببرد و هم ایران را

به دلیل نفوذ و سابقه‌ی سیاسی‌اش در هند از توجه به‌آن باز دارد از سوی دیگر روسیه را به جنگ با ایران ترغیب می‌کرد. همچنین جهت ممانعت از نفوذ بیش از حد روسیه در ایران با وساطت بین دو کشور از عوامل اصلی انعقاد دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای به شمار می‌رود. ما حاصل این دو عهدنامه پیامدهای منفی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فراوانی برای ایران بود که مهمترین آن جدا شدن بخش وسیعی از ایران نظیر گرجستان، داغستان، گنجه و ... بود. برخی دیگر از فصول این عهدنامه‌ها نظیر تضمین جانیشینی و لبعهدی عباس میرزا زمینه‌ی هرچه بیشتر نفوذ و دخالت سیاسی روس و دیگر دول اروپایی در ادوار بعدی را فراهم آورد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

■ پاورقی

۱- این دو بند عبارت بودند از: (۱) در امور داخلی افغانستان به هیچ وجه مداخله نکنند. (۲) اگر دولت ثالثی به خاک ایران تعارض کرد، حت المقدول از کمک و مساعدت به ایران خودداری نکنند. (شمیم، ۷۲: ۱۳۷۹-۸۱).

■ مراجع

■ کتاب ها

- ۱- آوری، پیترو؛ همیلی، گاوین؛ ملویل، چارلز. تاریخ ایران (از مجموعه تاریخ کمبریج) دوره افشار، زند و قاجار. ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۲- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله. ملیت‌های آسیای میانه. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۳- اداره انتشار اسناد. اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز. تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، چاپ اول، .
- ۴- اجلالی، فرزاد. بنیان حکومت قاجار. تهران: نی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۵- افشار یزدی، محمود. سیاست اروپا و ایران. ترجمه‌ی سید ضیاءالدین دهشیری، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، چاپ اول، ۱۳۵۸.
- ۶- احمد پناهی، محمد. مظفرالدین، شاه قاجار، خودکامه‌ی کوچک. تهران: ندا، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۷- باقی، عمادالدین. بررسی انقلاب ایران. جلد اول، تهران: تفکر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۸- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسین؛ اقبال آشتیانی، عباس؛ عاقلی، باقر. تاریخ ایران. تهران: نامک، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- ۹- پاکروان، امینه. عباس میرزا. ترجمه‌ی قاسم صنعوی، تهران: چشمه، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۱۰- تکمیل همایون، ناصر. تاریخ ایران در یک نگاه. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۱۱- حسین پور، اکرم؛ نواب زاده، منیژه؛ وزیر، فهیمه؛ شهیدی فر، فهیمه. ماهیت تحولات درآسیای مرکزی و قفقاز. تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۱۲- حائری، عبدالهادی. نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایرانی به دو رویه تمدن بورژوازی غرب. تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- ۱۳- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله. تاریخ ذوقرنین، جلد دوم، رساله‌ی صاحبقران. تصحیح و تحقیق ناصر افشار فر، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۱۴- خورموجی، محمدجعفر، حقایق الخبار ناصری، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: نی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- ۱۵- دنبلی، عبدالرزاق. مآثر السلطانیه. به کوشش فیروز منصوری، تهران: اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۶- رائین، اسماعیل. حقوق بگیران انگلیس در ایران. تهران: جاویدان، چاپ چهاردهم، ۱۳۵۲.
- ۱۷- سایکس، سرپرسی. تاریخ ایران. جلد دوم، ترجمه‌ی سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۸.
- ۱۸- شیخ عطار، علیرضا. ریشه‌های رفتار سیاسی درآسیای مرکزی و قفقاز. تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۱۹- شمیم، علی اصغر. ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار (قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم). تهران: زریاب، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۰- قدیانی، عباس. تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره‌ی قاجاریه، تهران: فرهنگ مکتوب، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۲۱- کدی، نیکی، آر. ایران دوره قاجار و برآمدن رضاخان ۱۳۰۴-۱۱۷۵، ترجمه‌ی مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۲۲- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی. ناسخ التواریخ؛ تاریخ قاجاریه. جلد اول، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر، چاپ اول، ۳۷۷۱.
- ۲۳- موسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران. سه رساله درباره قفقاز. مقدمه تصحیح و یادداشت‌ها حسین احمدی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، ۱۳۸۴.

- ۲۴- مومنی، باقر. ایران در آستانه‌ی انقلاب مشروطیت. تهران: سیمرغ، چاپ اول، ۱۳۴۵.
- ۲۵- ناطق، هما. از ماست که بر ماست (چند مقاله). تهران: آگاه، ۲۵۳۷.
- ۲۶- نوائی، عبدالحسین. ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری. تهران: هما، چاپ اول ۱۳۶۹.
- ۲۷- ورجاوند، پرویز. ایران و قفقاز (اران و شیروان). تهران: قطره، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۲۸- ورهرام، غلامرضا. نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران: موسسه انتشارات معین، ۱۳۶۴.
- ۲۹- هاشمی، غلامرضا. امنیت در قفقاز جنوبی. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، چاپ اول ۱۳۸۴.
- ۳۰- هدایت، رضاقلی خان. تاریخ روضه الصفاى ناصری. جلد هشتم و نهم، بخش اول به تصحیح و تشحیه جمشید کیانفر، تهران: اساطیر، چاپ اول، .

■ مجلات

- ۳۱- سلماسی زاده، محمد. «نخستین تلاش‌های نظامی- سیاسی روسی تزاری برای استقرار حاکمیت خود در قفقاز در قرن ۱۹». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، دوره چهاردهم، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۸۶.

■ پایان‌نامه‌ها

- براهوئی، عبدالقادر. عباس میرزا نائب السلطنه (بررسی اقدامات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی عباس میرزا). استاد راهنما: عباس سرافرازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۷.

